

## ملاحظات دربارہی ساختار معماری و کاربری چهارتاقی نیاسر

عباسعلی رضائی نیا

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشکده معماری و هنر دانشگاه کاشان  
rezaeinia@kashanu.ac.ir

شناسه‌ی دیجیتالی (DOI): 10.22084/nbsh.2018.14355.1628  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۰۲  
(از ص ۱۴۱ تا ۱۶۰)

### چکیده

یکی از آتشکده‌های مهم دوره‌ی ساسانی در پهنه‌ی فرهنگی کاشان، چهارتاقی نیاسر است که با وجود شهرت آن، به خوبی شناخته نشده است. چهارتاقی نیاسر بر فراز صخره‌ای از ارتفاعات کرکس واقع شده و مشرف به شهر نیاسر است. برمبنای متون تاریخی این چهارتاقی آتشکده‌ای بوده که توسط اردشیر بابکان بنیان نهاده شده است. بیش از یک سده از عمر پژوهش‌های محققان دربارہی آتشکده‌ها می‌گذرد و عده‌ای از آن‌ها تلاش کرده‌اند از نظر سبک معماری به تشریح و تقسیم‌بندی این‌گونه از معماری مذهبی دوره‌ی ساسانی بپردازند و تفسیرهای متفاوتی دربارہی کاربری چهارتاقی‌ها ارائه دهند. با توجه به شواهد سطحی، به نظر می‌رسد چهارتاقی نیاسر در میان مجموعه‌ای از واحدهای معماری قرار داشته است که امروزه آثار آن در پیرامون چهارتاقی دیده می‌شود. از این‌رو می‌توان فرضیه‌ی چهارتاق‌های منفرد که توسط گذار پیشنهاد شد را مورد تردید قرار داد. در این راستا مقاله حاضر با هدف بازشناسی وجوه معماری و محوطه‌ی پیرامونی آتشکده‌ی نیاسر، به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی تلاش کرده است به توصیف فنی ساختار معماری آتشکده‌ی نیاسر و محیط پیرامونی آن بپردازد. سپس مشکلات گاهنگاری و کاربری آتشکده‌ی نیاسر بر پایه‌ی متون تاریخی و سنجش‌های معماری، به خصوص مقایسه‌ی آن با چهارتاقی‌های مناطق همجوار، مورد بحث و تحلیل قرار گرفته است. با توجه به موقعیت جغرافیایی، ساختار معماری چهارتاقی و نیز بافت جمعیتی نیاسر به نظر می‌رسد از نظر مرتبه‌ی آتش، چهارتاقی نیاسر را باید از نوع آتشکده‌های محلی ارزیابی کرد. هم‌چنین بقایای واحدهای ساختمانی پیرامون چهارتاقی نیاسر دیدگاه‌های واندنبرگ و هوف را مبنی بر محصور بودن چهارتاقی‌ها تأیید می‌کند. مقاله‌ی حاضر به فهم صحیح از ماهیت آتشکده‌ی نیاسر و درک عمیق‌تر از اهمیت و جایگاه آن در دوره‌ی ساسانی کمک نموده است. هم‌چنین بر لزوم کاوش‌های باستان‌شناختی در بنای چهارتاقی نیاسر و محوطه‌ی پیرامونی آن تأکید کرده است.

**کلیدواژگان:** دوره‌ی ساسانی، آتشکده، چهارتاقی، کاشان، نیاسر.

## مقدمه

نیاسر از نظر بررسی و کاوش‌های باستان‌شناختی، منطقه‌ای ناشناخته است. آثار و شواهد تاریخی این منطقه مانند غار رئیس و باغ تالار نیاسر، گویای اهمیت نیاسر در دوران قبل و بعد از اسلام است. از جمله آثار شاخص نیاسر، چهارتاقی این شهر است که بنا بر متون تاریخی، اردشیر بابکان آن را در کنار چشمه‌ی نیاسر بنا کرد (قمی، ۱۳۸۵: ۲۲۱). چهارتاقی نیاسر در فهم عملکرد چهارتاقی‌ها و اوضاع مذهبی روزگار ساسانی می‌تواند راهگشا باشد. مطالعه و بررسی ساختار چهارتاق‌ها نقش مهمی در شناخت سنت‌های معماری و دینی دوره‌ی ساسانی دارند. هدف نگارنده در مقاله‌ی حاضر، بازشناسی و پی‌بردن به جنبه‌های ناشناخته‌ی معماری و کاربری چهارتاقی نیاسر است. بررسی مجدد چهارتاقی نیاسر به منظور تأکید بر اهمیت این بنای کمتر شناخته صورت گرفته است. این مطالعه به درک بهتر ماهیت بنا منجر شده و در ارزیابی از گونه‌ی معماری مذهبی دوره‌ی ساسانی مؤثر واقع شده است. براین اساس با بررسی و پژوهش میدانی به بیان ویژگی‌های ساختاری بنا و محیط پیرامونی آن پرداخته شده است. همچنین، گاهنگاری و کاربری این دسته از بناها مورد بحث قرار گرفته است. بی‌شک پرداختن به این مقوله از چالش‌های چند دهه‌ی اخیر محققان بوده است؛ به طوری که هر یک از آن‌ها تلاش کرده‌اند تفسیرهای متفاوتی از بناهای چهارتاقی و مراسمی که در آن‌ها برپا می‌شده است، ارائه دهند. بررسی عملکرد واقعی، زمان ساخت چهارتاقی و این که چهارتاقی نیاسر هسته‌ی اصلی بنای بزرگتری را تشکیل می‌داده است یا خیر؟ از جمله پرسش‌هایی است که در مقاله‌ی حاضر با تکیه بر پلان و عناصر ساختمانی مورد بحث قرار گرفته است. فرضیه‌ای که در این مقاله مورد توجه و تأکید قرار گرفت این است که چهارتاقی نیاسر، آتشکده‌ای محصور و به صورت مجموعه بوده است.

**روش پژوهش:** در این پژوهش به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی، ابتدا آتشکده‌ی نیاسر و محیط پیرامونی آن توصیف فنی شده است. سپس بر پایه‌ی متون تاریخی و مطالعه‌ی تطبیقی، مسائل گاهنگاری و کاربری آتشکده‌ی نیاسر تحلیل شده و مشکلات این‌گونه از معماری مذهبی دوره‌ی ساسانی مورد توجه قرار گرفته است. در این شیوه‌ی پژوهش وضع گذشته و حال آتشکده‌ی نیاسر با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی مورد بررسی قرار گرفت و تلاش شده است با تشریح و تبیین بنا، تصویر دقیق‌تری از ماهیت و ویژگی‌های آن ارائه شود.

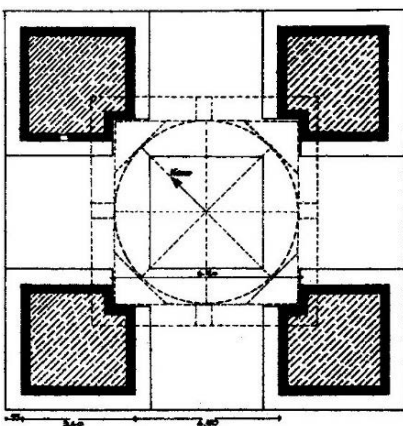
## پیشینه‌ی پژوهش

نخستین بار در سال ۱۸۷۷ م. و در زمان ناصرالدین‌شاه قاجار آتشکده‌ی نیاسر مورد توجه «ژنرال سرآلبرت هوتوم شیندلر» قرار می‌گیرد. او در سفرنامه‌ی خود از آتشکده‌ی نیاسر یاد می‌کند (Houtum Shindler, 1896: 117-18). آن چنان که هوتوم شیندلر گزارش کرده است، حداقل از حدود ۱۴۰ سال قبل، محوطه‌ی چهارتاقی دستخوش دخل و تصرفات زیادی شده است. او گرچه به توصیف ساختمان آتشکده نمی‌پردازد اما نکته‌ی جالب در گزارش شیندلر این است که به خانه‌ی تابستانی

یک تاجر کاشانی در جوار چهارتاقی اشاره می‌کند که برخی از دیوارهای آتشکده را مورد استفاه قرار داده است. هوتوم شیندلر هم چنین از فضاهای دست‌کند در زیر خانه‌ی تابستانی صحبت کرده است که امروزه اثری از آن‌ها دیده نمی‌شود (Hou- tum Shindler, 1896: 117-18). ۶۰ سال بعد، یعنی در سال ۱۳۱۶ ه.ش. (۱۹۳۷ م.) هنگامی که رومن گیرشمن مشغول کاوش در تپه سیلک بود از چهارتاقی نیاسر بازدید کرد و آن را آتشکده‌ای از اوایل دوره‌ی ساسانی دانسته است (گیرشمن، ۱۳۷۹: ۲۲). معمار هیأت او، «آندره هاردی» پلانی از بنا تهیه (شکل ۱) و توصیف مختصری از آن ارائه کرده است که در کتاب *آثار ایران* آندره گذار به چاپ رساند (هاردی، ۱۳۷۱: ۵۵-۱۵۲). ضمن آن‌که گذار نیز درباره‌ی این چهارتاقی بحث کرده است. به نظر گذار چهارتاقی نیاسر، علامت یا نشان راهی در کنار جاده‌ی کاشان به دلجان بوده است که بر بالای بلندی قرار گرفته و به سهولت قابل شناسایی است (گذار، ۱۳۷۱: ۴۶-۴۷؛ همو، ۱۳۷۷: ۲۵۰-۲۳۳). در آبان‌ماه ۱۳۱۷ چهارتاقی نیاسر به شماره‌ی ۳۱۶ به ثبت ملی رسید و ۱۷ سال بعد توسط اداره کل باستان‌شناسی وقت، مورد مرمت قرار گرفت (نراقی، ۱۳۸۲: ۴۴-۴۳) هم چنین محققان دیگری مانند آرتور پوپ (پوپ، ۱۳۷۳: ۷۱)، محمدکریم پیرنیا (پیرنیا، ۱۳۸۳: ۱۶-۱۱۵)، کلاوس شیپمن (Schippmann, 1971: 442-45)، ولفرام کلایس (Kleiss, 1989: 663-674)، شاهرخ رزمجو (Razmjou & Amin Tafreshi, 2006) و رضا مرادی‌غیاث‌آبادی (مرادی‌غیاث‌آبادی، ۱۳۸۰، ۱۳۸۳، ۱۳۸۷، ۱۳۸۹) به معرفی کلی چهارتاقی نیاسر پرداخته و درباره‌ی کاربری و گاهنگاری آن اظهار نظر کرده‌اند. چنان‌که براساس شباهت سبکی با سایر چهارتاقی‌های دوره‌ی ساسانی آن را آتشکده‌ای متعلق به دوره‌ی ساسانی دانسته‌اند. در میان این محققان تنها مرادی‌غیاث‌آبادی کاربری نجومی برای بنا قائل شده است. بررسی نگارنده نشان می‌دهد باوجود دگرگونی سیمای اولیه‌ی چهارتاقی و محوطه پیرامونی آن، چهارتاقی نیاسر بنای منفردی نبوده و آثار و شواهدی از ساختارهای معماری در پیرامون بنا دیده می‌شود که می‌تواند در فهم صحیح بنا راهگشا باشد. هم چنین دقت در فضای داخل چهارتاقی احتمال شواهدی از محل قرارگیری آتشدان را نشان می‌دهد.

### موقعیت جغرافیایی نیاسر

چهارتاقی معروف به «نیاسر» در حاشیه‌ی دشت کاشان و در دامنه‌ی رشته‌کوه کرکس، در بخش نیاسر شهرستان کاشان و در طول جغرافیایی  $32^{\circ} 08' 51''$  و عرض  $58^{\circ} 33' 15''$  واقع شده است. ارتفاع این محوطه از سطح آب‌های آزاد ۱۷۴۱ متر است. چهارتاقی نیاسر در غرب بافت تاریخی شهر نیاسر و بر فراز بستر صخره‌ای مشرف به شهر نیاسر ساخته شده است (تصویر ۱) و از سمت شرق چشم‌انداز وسیعی به دشت کاشان دارد. این چهارتاقی در دامنه شرقی کوه ولم<sup>۲</sup> قرار دارد، به طوری که از ضلع شرقی و جنوبی با شیب ملایمی به بافت شهری و دره‌ایی نسبتاً عریض و کم‌عمق، از ضلع شمالی و غربی نیز به ارتفاعات و یال صخره‌ای بلندی منتهی می‌شود. در جبهه‌ی شرقی چهارتاقی نیز چشمه‌ای به نام «چشمه اسکندریه» قرار دارد.



▲ شکل ۱. پلان چهارتاقی نیاسر (هاردی، ۱۳۷۱: تصویر ۱۰۰).



تصویر ۱. موقعیت ماهواره‌ای چهارتاقی در بافت شهری نیاسر (Google Earth).

### مشخصات چهارتاقی نیاسر

چهارتاقی نیاسر از آتشکده‌های ارزشمندی است که در ساخت آن مهارت و دقت زیادی از نظر عناصر معماری، ابعاد و تناسبات به کار رفته است. چهارتاقی نیاسر (تصویر ۲) بر بستر صخره‌ای و اضلاع آن در راستای جهات اصلی بنیان نهاده شده است. محور بنا ۱۱ درجه نسبت به شمال جغرافیایی اختلاف دارد. در اغلب آتشکده‌های ساسانی انحراف نسبت به جهت شمال دیده می‌شود (مرادی، ۱۳۸۸: ۱۵۷؛ محمدی‌فرو و مترجم، ۱۳۹۰: ۷۹). ابعاد بنا ۱۱×۱۱ متر و ارتفاع آن نیز ۱۱ متر است. چهار پایه یا جرز چهارتاقی به شکل مکعب مربع به ابعاد ۳۳×۳۳ سانتی‌متر و دارای اندازه‌های یکسان است. زوایای داخلی جرزها اندکی عقب نشسته و تشکیل زاویه‌ی قائمه‌ای داده است. جرزها از چهار طرف، با پایه‌ی قطور دیگری به عرض ۵۰-۴۰ سانتی‌متر و ارتفاع ۶۵-۸۳ سانتی‌متر تقویت شده‌اند (شکل ۱). با توجه به همگونی مصالح به کار رفته و شیوه‌ی ساخت پایه‌ها با سازه‌ی چهارتاقی، احتمالاً ایجاد آن‌ها با زمان ساخت چهارتاقی همزمان بوده است. تنها در اضلاع خارجی جرزهای شمالی و غربی چهارتاقی، این پایه‌ها دیده نمی‌شود و سرتاسر آن را سکوبندی و هم‌سطح زمین‌های اطراف کرده‌اند. این کار موجب مسدود شدن ورودی‌های شمالی و غربی چهارتاقی شده است (تصویر ۲).

ارتفاع سکوه‌های ایجاد شده در این ورودی‌ها، بین ۸۵ تا ۱۰۵ سانتی‌متر است. به نظر می‌رسد سکوبندی، مربوط به عملیات مرمت بنا در سال ۱۳۳۴ ه.ش. و برای جلوگیری از ورود نزولات جوی به داخل چهارتاقی صورت گرفته باشد. در حدفاصل جرزها، ورودی‌های متقارنی در چهار جهت اصلی ایجاد شده است که نسبت به کف بیرونی چهارتاقی، ۱۷ سانتی‌متر بالاتر است. از این رو پلان کف بنا، تشکیل یک فضای چلیپا را می‌دهد که از شکل‌های متداول آتشکده‌های ساسانی است. عرض ورودی‌ها تا ارتفاع ۶۵ سانتی‌متری، ۳۵ سانتی‌متر است. از این کد ارتفاعی (سکوپی که پایه‌های چهارتاقی را در میان گرفته‌اند) ورودی‌ها عریض‌تر شده و به



▲ تصویر ۲. مسدود شدن ورودی شمالی و غربی چهارتاقی نیاسر (نگارنده، ۱۳۹۶).



▲ تصویر ۳. نمای شمالی چهارتاقی نیاسر (نگارنده، ۱۳۹۶).

۴۳۰ سانتی‌متر افزایش یافته است. در نهایت تا رأس تاق، دهانه کوتاه‌تر شده و به ۳۳۰ سانتی‌متر می‌رسد. ارتفاع کلی درگاه نیز به ۵۵۰ سانتی‌متر می‌رسد. هم‌چنین در مرکز نمای داخلی جرز شمال غربی، تاقچه کوچکی تعبیه شده است. بر بالای چهارتاق، بخش انتقالی گنبد و در واقع حلقه‌ی اتصال جرزها به گنبد قرار گرفته است (تصویر ۳).

بخش انتقالی از بیرون بنا به شکل دیوار چهارگوش و در میانه‌ی هر ضلع آن دریچه یا پنجره‌ی کوچکی به شکل مستطیل و به ابعاد ۶۰×۴۰ سانتی‌متر برای عبور نور و تهویه تعبیه شده است. در زوایای داخلی و در جایی که نیروی گنبد به جرزها انتقال می‌یابد، گوشواره‌ها تعبیه شده‌اند (تصویر ۴). گوشواره‌ها، فضای چهارگوش را به تدریج به دایره تبدیل کرده‌اند. متأسفانه گنبدی که برفراز چهارتاقی قرار داشته



► تصویر ۴. فضای داخل چهارتاقی قبل از مرمت (هاردی، ۱۳۷۱: تصویر ۱۰۵).



► تصویر ۵. نمای غربی چهارتاقی قبل از مرمت (هاردی، ۱۳۷۱: تصویر ۱۰۳).

در گذشته فرو ریخته است. از زمان تخریب آن آگاهی چندانی وجود ندارد و اطلاعات متناقضی در دست است. ظاهراً بنا بر گزارش نویسنده‌ی تاریخ کاشان، چهارتاقی تا دوره‌ی ناصری بدون خرابی و برپا بوده است (کلانتر ضرابی، ۱۳۷۸: ۸۹). از سوی دیگر نویسنده‌ی قم نامه بر پایه‌ی رسالات دوره‌ی ناصری اشاره دارد، قدری از سقف چهارتاقی خراب شده و مابقی برجاست (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۴: ۳۰۷). به نظر هاردی با توجه به بقایای قوس آن، گنبدی خاگی<sup>۳</sup> شبیه گنبد فیروزآباد داشته است (هاردی، ۱۳۷۱: ۱۵۲). پوپ نیز بر شلجمی بودن گنبد تأکید می‌کند (پوپ، ۱۳۷۳: ۷۱). در تصاویر مربوط به قبل از بازسازی گنبد، شواهدی از چندین رج لاشه‌سنگ‌های باقی مانده‌ی گنبد و روزنه‌های کوچک چهارگوش دیده می‌شود (تصویر ۵). متأسفانه در بازسازی غیراصولی گنبد که در سال ۱۳۳۴ ه.ش. توسط



تصویر ۶. فضای داخل چهارتاقی بعد از مرمت (نگارنده، ۱۳۹۶). ◀



تصویر ۷. فضای مرکزی چهارتاقی و محل آتشدان (نگارنده، ۱۳۹۶). ◀

اداره کل باستان‌شناسی وقت، صورت‌گرفته، بدون توجه به قوس گنبد، آن را به سبک گنبدهای دوره‌ی اسلامی با سنگ‌های قواره شده و هشت نیم‌قوس گچی باریک در فواصل مساوی میان سنگ‌ها، بازسازی کردند که تناسبی با بنا ندارد و اصالت بنا را خدشه دار کرده است. به این ترتیب گنبد از هشت مثلث در محیط دایره تشکیل شده است که نوک آن به رأس گنبد ختم می‌شود. هم‌چنین نه روزن بر بالای پایه گنبد تعبیه شده است (تصویر ۶). البته گذار ادعا می‌کند نیم‌قوس‌های گچی مسلح به نی بوده‌اند (گذار، ۱۳۷۷: ۲۴۸).

فضای مرکزی چهارتاقی به ابعاد  $۶۱۴ \times ۶۱۴$  سانتی‌متر است. در داخل این فضای مرکزی، ساختار فرو رفته‌ای شبیه حوضچه به شکل چهارگوش و به ابعاد  $۵۲۰ \times ۵۲۰$  سانتی‌متر ایجاد شده که نسبت به کف اطراف ۲۰ سانتی‌متر پایین‌تر و قابل مقایسه با چهارتاقی چن‌ژی‌ه ایلام است (Vanden Berghe, 1977: 182-84). در مرکز این فضا و دقیقاً در زیر گنبد، اثری از یک دایره به قطر ۹۰ سانتی‌متر دیده می‌شود (تصویر ۷). اگر صحت وجود چنین شاهی را در مرکز بنا بپذیریم و مداخلات عملیات مرمتی تغییری در وضعیت آن ایجاد نکرده باشد، احتمال می‌رود این مکان، بقایای محل پایه‌ی آتشدان یا سکوی آتشدان باشد. این شکل مدور در آتشکده‌ی مل‌حیرم<sup>۴</sup>، محل قرارگیری پایه‌ی آتشدان در داخل ساختار فرو رفته‌ای است (Kaim, 2004: fig.4). احتمال چنین وضعیتی را می‌توان برای آتشکده‌ی نیاسر نیز مطرح کرد. این ساختار فرو رفته در اتاق چلیپایی A در تخت سلیمان (ناومان، ۱۳۸۲: ۵۴) به صورت گودی چهارگوش درآمده و آتشدان در داخل آن قرار می‌گرفت. مشابه چنین فضای مدوری در آتشکده‌ی خرم دشت<sup>۵</sup> نیز دیده می‌شود. متأسفانه از کف‌سازی اصلی داخل چهارتاقی و عناصر احتمالی داخل این فضا مانند سکوی پایه‌ی آتشدان و یا دیگر عناصر اطلاعاتی وجود ندارد و وضعیت امروزی آن سنگ‌فرش شده است.

چهارتاقی در محوطه‌ی شیب‌دار بنا شده است. از جبهه‌ی شمالی و غربی هم سطح زمین‌های اطراف و از جانب شرقی و جنوبی با شیب ملایمی به زمین‌های مجاور منتهی می‌شود. در عملیات مرمت، برای مهار چهارتاقی و استحکام بیشتر بنا، چهار طرف آن را به عرض ۲۹۶ سانتی‌متر سکوبندی کرده‌اند. ابعاد این سکو  $۱۷/۶۰ \times ۱۷/۶۰$  سانتی‌متر، ارتفاع آن در ضلع جنوبی بین ۴۰ تا ۲۰۰ سانتی‌متر و در ضلع شرقی بین ۱۱۰ تا ۲۰۰ سانتی‌متر است. از وضعیت زیرسازی بنا قبل از مرمت آگاهی زیادی در دست نیست.

## تزئینات بنا

امروزه چهارتاقی ساده و فاقد تزئینات است، اما در گذشته بنا به گفته‌ی هاردی شواهدی از گچ‌بری‌های ظریف در زیر تاق‌بندی درگاه‌ها وجود داشته (هاردی، ۱۳۷۱: ۱۵۴)؛ متأسفانه توضیح بیشتری درباره‌ی گچ‌بری‌ها ارائه نکرده و اثری از آن باقی‌نمانده است. روش ساخت پایه‌ها و تاق‌ها، نحوه‌ی سنگ‌چینی، اندودکردن سطوح دیوارها و استفاده از گچ‌بری در تزئین بنا، نشان می‌دهد که در ساخت این چهارتاقی دقت، ظرافت و مهارت بسیاری به‌کار رفته است. آن چنان‌که تصاویر

قدیمی پیش از مرمت بنا نشان می‌دهد، احتمالاً آزاره‌ی نمای خارجی جرزها و نیز نمای داخلی چهارتاقی تا قسمت زیر تاق درگاه‌ها با لایه‌ای از گچ اندود شده بود. شواهدی از رنگ‌آمیزی روی گچ گزارش نشده است.

### مصالح و شیوه ساخت بنا

برای ساخت چهارتاقی نیاسر از سنگ آهک و ملات گچ استفاده شده است؛ به طوری که در بخش پایینی چهارتاقی تا ارتفاع ۲۰۰ سانتی متری از لاشه سنگ و در بخش فوقانی از سنگ‌های قواره شده و تراش خورده به شکل مکعب مستطیل استفاده شده است. استفاده از سنگ پاک تراش در سایر آتشکده‌های دوره‌ی ساسانی مانند بنای تخت نشین شهر اردشیرخوره نیز گزارش شده است (هوف، ۱۳۹۲: ۵۸). باتوجه به بقایای اندک قوس گنبد در پیش از بازسازی چهارتاقی، به نظر می‌رسد کاسه‌ی گنبد اولیه از لاشه سنگ ساخته شده بود. رزمجو بر این باور است که برخی از سنگ‌های به کار رفته در ساختمان چهارتاقی از غار نیاسر کنده شده است (Razm- & Amin Tafreshi, 2006).

تاق ضربی میان جرزها از نوع مازه‌دار با قوس کم است. دورچین قوس درگاه‌ها به صورت شعاعی در دو ردیف افقی و عمودی (رج زیرین از پهنا و رج فوقانی از ضخامت سنگ) بر پایه‌ها تکیه کرده‌اند. رج‌چینی سنگ‌ها در قوس درگاه‌ها به موازات رج‌چینی جرزها نبوده و به صورت عمودی و از پهلو به کار رفته است. مشابه چین تکنیکی در آتشکده‌ی تنگ چک‌چک داراب نیز دیده می‌شود (قدردان، ۱۳۸۸: ۵۹). هم‌چنین پاکار قوس در ارتفاع ۳۳۰ سانتی متری اندکی پیش آمده است. گرد کردن قاعده‌ی گنبد به کمک گوشواره‌ها صورت گرفته است. گوشه‌سازی فضای داخلی چهارتاقی به صورت پوشش نیم‌مخروطی است که با استفاده از سنگ‌های تراش خورده متشکل از سه قطعه سنگ در رأس مخروط، بر چهار رج استوار شده و وسعت یافته است. بیر، گوشواره‌هایی را که به شکل مخروط هستند، مربوط به زمان ساسانی دانسته است که در تعدادی از چهارتاقی‌های استان فارس دیده می‌شود (بیر، ۱۳۸۵: ۷۴-۷۳). به باور گذار و پیرنیا گنبد چهارتاقی به گونه‌ی ترکیب و با بهره‌گیری از تویزه گچی ساخته شده است (گذار، ۱۳۷۷: ۲۴۸؛ پیرنیا، ۱۳۸۳: ۱۱۶). این گنبد با سنگ‌های تراش خورده به شیوه‌ی آجرچینی، رج‌چین شده است. اما از گنبدهای به جا مانده دوره‌ی ساسانی به ویژه چهارتاقی‌های فارس و کرمان برمی‌آید که در ساخت آن‌ها از سنگ‌های بدون تراش و ملات گچ استفاده شده است. می‌توان مشابه چین پوششی را برای گنبد چهارتاقی نیاسر در نظر گرفت. چنان‌که تصاویر قدیمی بنا نیز این امر را تأیید می‌کنند.

### محوطه‌ی پیرامون چهارتاقی نیاسر

متأسفانه در حال حاضر دخل و تصرف بسیاری در محیط پیرامونی چهارتاقی انجام شده و منظر طبیعی و فرهنگی آن تغییر کرده است. براساس شواهد سطحی و نیز مدارک تصویری، آثاری از عناصر ساختمانی شامل بقایای دیوارها، شواهدی از تاق و قطعات بزرگ سنگ آهک در اطراف چهارتاقی دیده می‌شود (تصویر ۸ و ۹).





► تصویر ۸. بقایای معماری محوطه چهارتاقی (Google Earth).

در سال ۱۳۸۴ دیوارهای محوطه چهارتاقی در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است، اما گزارش ثبتی آن فاقد توصیف فنی و دقیق از ساختار دیوارها و برداشت از وضعیت دیوارهای باقی‌مانده محوطه است (پیراینده و همکاران، ۱۳۸۴). بقایای پارہ دیوارهای محوطه‌ی چهارتاقی، شامل چهار دیوار در محور شرقی-غربی و شمالی-جنوبی محوطه‌ی چهارتاقی، است که احتمال می‌رود محوطه را محصور می‌کرده است. این دیوارها از سنگ و ملات گل ساخته شده‌اند. نمای خارجی آن با لاشه‌سنگ‌های کوچک و بزرگ چیده شده و فضای میانی آن‌ها با قطعات سنگ‌های کوچکتر پر شده است. آثار دیوار شرقی-غربی شمال محوطه (تصویر ۱۰) در فاصله‌ی ۵ متری شمال چهارتاقی، به طول ۸۰ متر، عرض ۱ متر و بلندی (باقی‌مانده) ۴۰ سانتی‌متر، بریال صخره ساخته شده است. آثاری از تراش و تسطیح بستر صخره‌ای در امتداد دیوارها بریال شمال غربی محوطه‌ی چهارتاقی دیده می‌شود. از دیوار شرقی-غربی در جنوب محوطه‌ی چهارتاقی، بقایای کمتری به صورت پشته‌ی کم‌ارتفاعی نزدیک به ۱ متر باقی‌مانده است و ساختار مشخصی را نشان نمی‌دهد. طول آن ۱۳ متر و عرض آن به حدود ۶ متر می‌رسد. دیوار شمالی-جنوبی که در غرب محوطه‌ی چهارتاقی و به فاصله‌ی ۳۰ متری از آن ساخته شده، به صورت پشته‌ی انبوهی از لاشه‌سنگ‌های کوچک و بزرگ به طول ۷۴ متر و عرض ۱۰ متر نمایان است. متوسط ارتفاع این پشته نسبت به جنوب محوطه ۳ متر است و ساختار به هم ریخته‌ای را نشان می‌دهد. بخش‌هایی از آن تخریب و خاک‌برداری شده



تصویر ۹. نقشه توپوگرافی چهارتاقی نیاسر (پایگاه نیاسر ۱۳۸۴). ◀

است. حجم متراکم ساختار معماری در محوطه‌ی غربی چهارتاقی نشان‌دهنده‌ی تأسیسات احتمالی وابسته به چهارتاقی است. به‌باور کلایس در دیوار ضلع غربی دو برج وجود دارد، اما توضیحی درباره‌ی آن‌ها نمی‌دهد. او هم‌چنین در فاصله‌ی ۳۰ متری شمال غربی مجموعه و روی صخره‌ها به بقایای یک ساختمان سه اتاقه اشاره می‌کند (Kleiss, 1989: 665). در حال حاضر چنین ساختارهایی قابل مشاهده نیست. از دیوار شمالی-جنوبی شرق محوطه، تنها بقایای اندکی از یک پشته‌ی کوچک به طول ۱۱ متر، عرض ۷ متر و ارتفاعی در حدود ۱ متر در جنوب چشمه‌ی اسکندریه دیده می‌شود. احتمال می‌رود چهار دیوار ناقص مزبور، محوطه‌ی چهارتاقی را محصور می‌کرده است. شناسایی دقیق وضعیت دیوارها و پی‌بردن به زمان ساخت آن‌ها، نیازمند کاوش‌های باستان‌شناختی و عملیات پی‌گردی است. در شمال غربی محوطه‌ی چهارتاقی، انبوه وسیعی از توده‌های سنگ به چشم



► تصویر ۱۰. بقایای دیوار ضلع شمالی محوطه (نگارنده، ۱۳۹۶).



► تصویر ۱۱. بقایای فضای مدور ضلع غربی محوطه (نگارنده، ۱۳۹۶).

می‌خورد که ساختاری مدوری را به قطر ۷ متر نشان می‌دهد (تصویر ۱۱). این ساختار معماری در راستای دیوار شمالی جنوبی ضلع غربی محوطه‌ی چهارتاقی قرار دارد و احتمالاً به آن متصل است. هم‌چنین آثاری از بقایای معماری در محوطه‌ی شرقی چهارتاقی دیده می‌شود. در سال ۱۳۴۵، مشکوتی تصویری از چهارتاقی نیاسر به چاپ رسانده است که در آن شواهدی از یک سازه‌ی سنگ‌چین در محوطه‌ی شرقی چهارتاقی دیده می‌شود (مشکوتی، ۱۳۵۴: ۱۰) اما امروزه اثری از آن وجود ندارد.

در ۳۰ متری شرق بنای چهارتاقی، بقایای دیوار سنگ‌چین دیگری به طول ۶ متر در راستای شرقی-غربی دیده می‌شود که در بخش زیرین آن از سه رج سنگ

تراش خورده و در قسمت بالای دیوار از لاشه‌سنگ‌های کوچک و بزرگ استفاده شده است (تصویر ۱۲). هم‌چنین در فاصله‌ی ۸ متری جنوب این دیوار و ۳۸ متری شرق چهارتاقی، بقایایی از یک دیوار سنگی به طول ۱۲ متر، به صورت پشته‌ای از قلوه‌سنگ‌های کوچک و بزرگ در راستای شمالی-جنوبی نمایان است که ساختار آن چندان مشخص نیست. این دیوار تا چشمه‌ی پایین دست آن ۱۴ متر فاصله دارد. این سازه در عکسی که گذار از جبهه‌ی شرقی محوطه‌ی چهارتاقی گرفته است، نمود بهتری دارد.



▲ تصویر ۱۲. بقایای دیوار در محوطه‌ی شرقی چهارتاقی (نگارنده، ۱۳۹۶).

بنابراین براساس شواهد سطحی، حداقل سه سازه در شرق محوطه‌ی چهارتاقی قابل بازیابی است، اما نحوه‌ی ارتباط آن‌ها با بنای چهارتاقی مشخص نیست.

در تصویری قدیمی از محوطه‌ی چهارتاقی، شواهدی از تاق در جنوب شرقی چهارتاقی دیده می‌شود (بیگلری و پیراینده، ۱۳۸۴: ۲۱) که متأسفانه امروزه اثری از آن وجود ندارد. گذار نیز اشاره‌ی چندان دقیقی به گنبد کوچکی می‌کند که در چند قدمی چهارتاقی، در جوار چشمه قرار داشته و قسمت اعظم آن ویران شده است. او نحوه‌ی ساخت و تاریخ بنای این گنبد را با بنای گنبد بزرگ چهارتاقی یکسان و هم‌زمان دانسته است (گذار، ۱۳۷۱: ۴۷). گذار تصویری از این اثر ارائه نکرده است. امروزه چنین سازه‌ای در سطح محوطه به چشم نمی‌خورد و از کیفیت آن اطلاعی در دست نیست. بر پایه‌ی شواهد سطحی به نظر می‌رسد بنای چهارتاقی، بخشی از یک واحد ساختمانی بزرگتری است که آگاهی از این امر مستلزم کاوش در این محوطه است. گذار پیشنهاد می‌کند که چهارتاقی‌های منفرد، هم مکانی برای نیایش آتش بوده و هم از آن به عنوان «میل راهنما» برای مسافرانی که در تاریکی شب از کنار آن‌ها عبور می‌کردند، استفاده می‌شده است. این فرضیه بعدها توسط واندنبرگ و هوف مورد نقد قرار گرفت. این دسته از پژوهشگران بر این عقیده‌اند، چهارتاقی‌های که امروزه به صورت بنای منفردی هستند در اصل هسته‌ی اصلی بنای بزرگتری را تشکیل می‌داده و کاملاً محصور بوده‌اند. بقایای واحدهای ساختمانی پیرامون چهارتاقی نیاسر نیز دیدگاه‌های واندنبرگ و هوف را تأیید می‌کند (Huff, 1975: 243-54). هم‌چنین کلایس پیشنهاد کرده است راهرویی احتمالاً با تاق‌آهنگ، چهارتاقی نیاسر را دربر می‌گرفته است (Kleiss, 1989: 664).

سفال‌های جمع‌آوری شده از سطح محوطه، از نوع سفال‌های بدون لعاب و لعاب‌دار است. در خمیره‌ی سفال‌ها ذرات ماسه و شن به‌کار رفته است. سفال‌های فاقد لعاب از نوع سفال نخودی و قرمز ساده، نقش‌کننده و نقش‌افزوده با طرح طنابی است. این سفال‌ها اغلب مربوط به قطعات کوزه و خمره است. سفال‌های لعاب‌دار به‌رنگ آبی‌فیروزه‌ای و سبز است و نمونه‌های کمی از این نوع سفال در سطح محوطه پراکنده است. بیشترین قطعات مربوط به بدنه و تعداد اندکی متعلق به لبه‌ی ظروف است. قطعات سفالی براساس شکل و ویژگی‌های فنی، مشابه سفال‌های دوره‌ی ساسانی آتشکده‌ی آتشکوه و نویس (Kleiss, 1999: 202)؛ رهبر، ۱۳۷۹ است. چندین قطعه سفال آبی و سفید دوره‌ی صفوی نیز در سطح محوطه پراکنده است (تصویر ۱۳).



► تصویر ۱۳. سفال‌های سطحی محوطه چهارتاقی (نگارنده، ۱۳۹۶).

### مطالعه‌ی تطبیقی

پلان چهارتاقی نیاسر مشابه سایر چهارتاقی‌ها و از الگویی ثابت - اتاقی با چهار جرز و چهار ورودی و پوششی گنبددار- بهره می‌برد. چهارتاقی نیاسر از نظر سبک معماری، نحوه‌ی اجرای تاق و نوع قوس بیز به‌کار رفته در درگاه‌ها، مشابه بسیاری از آتشکده‌های دوره‌ی ساسانی مناطق همجوار خود از جمله آتشکده‌های خرم‌دشت کاشان، کوشک نطنز، شیرکوه نائین (تصویر ۱۴)، نخلک انارک (متعلق به اواسط سده‌ی دوم میلادی)، قلعه دار نائین و نویس قم است.

چهارتاقی نیاسر از نظر ابعاد اختلاف اندکی با آتشکده‌های محلی پیش‌گفته دارد و این مقدار اندک قابل چشم‌پوشی است. این تفاوت‌ها بیشتر ناشی از به‌کارگیری مصالح، وسعت و ویژگی‌های محل قرارگیری چهارتاقی است. در این میان، بیشترین شباهت را در اندازه با آتشکده‌ی خرم‌دشت (Vanden Berghe, 1965: 131-33)، نطنز (گدار، ۱۳۷۱: ۷۳-۲۴۴) و نیز اتاق چلیپایی B تخت سلیمان (فون در اوستن و ناومان، ۱۳۷۳: ۹۲) دارد. از نظر مصالح همه‌ی آن‌ها بوم‌آورد و از لاشه‌سنگ، ملات گچ و با تکنیک یکسان ساخته شده‌اند. بسیاری از چهارتاقی‌های سنگی دوره‌ی ساسانی در نمای بیرونی از سطوح صاف سنگ بهره برده و حدفاصل آن‌ها با سنگ‌های کوچکتر و ملات گچ پُر شده‌اند. این تکنیک در اغلب چهارتاقی‌ها به‌کار رفته است. هم‌چنین اندود کردن سطوح ناهموار و خشن دیوارها با ملات گچ شیوه‌ی رایجی برای نمakاری بوده که در بیشتر آتشکده‌ها به‌کار رفته است. جدا از همگونی در مصالح و شیوه‌ی ساخت آتشکده‌های مورد اشاره، وجوه مشترک



تصویر ۱۴. چهارتاقی شیرکوه (شاه‌حسینی، ۱۳۸۱). ◀

دیگر آن‌ها، چنان‌که پیش‌تر نیز اشاره شد، شباهت شکل قوس بیضی و تاق درگاه چهارتاقی‌های پیش‌گفته با چهارتاقی نیاسر است. این تاق‌ها بدون استفاده از قالب ساخته شدند، به طوری‌که به تدریج از عرض دهانه‌ی آن‌ها کاسته و به سمت داخل متمایل می‌شدند تا در نهایت در رأس تاق به هم نزدیک و پوشانده شده‌اند. پاکار قوس‌ها نیز کمی پیش‌آمدگی دارند. این تکنیک تاق‌زنی هم در نمونه‌های آغازین و هم در بناهای پایانی دوره‌ی ساسانی به‌کاررفته است.

آنچه که چهارتاقی نیاسر را از سایر آتشکده‌های هم‌جوار که دارای گنبد هستند متمایز می‌کند، قرارگیری کاسه‌ی گنبد بر منطقه‌ی انتقالی یا پایه‌ی گنبد به شکل چهارگوش است. این بخش، استحکام، تناسب، جلوه و زیبایی چهارتاقی را بیشتر نمایان می‌کند. از نمونه‌های قابل‌مقایسه می‌توان به آتشکده‌های جره کازرون، تنگ چک داراب، نقاره‌خانه‌ی فرشبند، رهنی فرشبند، خیرآباد گچساران، ده‌شیخ کرمان و بنای بازه‌هور خراسان اشاره کرد. از شیوه‌ی ساخت گنبد اصلی بنا، اطلاعی در دست نیست. هاردی احتمال داده است گنبدی بلند از نوع خاکی داشته است. اگر این فرض صحیح باشد، شاید بتوان به‌لحاظ ظاهر آن را با گنبد آتشکده‌ی شیرکوه (شاه‌حسینی، ۱۳۸۲: ۳۳۰-۳۲۸) و آتشکده‌ی نخلک (هالی‌یر، ۱۳۵۴: ۴۰۶) مقایسه کرد. نکته‌ی جالب توجه دیگر استفاده از سنگ‌های تراش‌خورده و منظم به شکل چهارگوش است که در جرزها، درگاه‌ها و گنبد به شیوه‌ی آجرچینی رج‌چین شده و برزیبایی و ایستایی بنا افزوده است. این دقت و ظرافت در استفاده از سنگ‌ها در قوس درگاه‌ها و گوشواره‌ها چشم‌گیرتر است. از دیگر ویژگی‌های معماری بنا، می‌توان به قرار گرفتن آن در داخل مجموعه‌ای از سازه‌های وابسته به چهارتاقی، مشابه چهارتاقی خرم‌دشت و شیرکوه اشاره کرد. چنان‌که ملاحظه شد، عناصر و شیوه‌های ساخت به‌کاررفته در چهارتاقی نیاسر نمی‌تواند در تاریخ‌گذاری بنا کمک کند.

گذار با توجه به شیوه‌ی تاق‌زنی به‌کاررفته در نیاسر که با کم‌کردن تدریجی دهانه‌ی تاق یا مایل کردن پایه‌های تاق به‌طرف داخل درگاه‌ها اجرا شده، این بنا را به آغاز دوره‌ی ساسانی نسبت داده است (گذار، ۱۳۷۷: ۲۴۵). اما نکته‌ی اساسی در این است که این شیوه‌ی تاق‌زنی، طی دوره‌ی ساسانی مورد استفاده قرار گرفته است و نمی‌تواند شاخص دقیقی برای انتساب بنا به اوایل دوره‌ی ساسانی باشد. هم‌چنین بسیاری از سنت‌های معماری، تداوم خود را حتی تا دوران اسلامی حفظ کرده‌اند. مسئله‌ی دیگر آن است که آیا بنای باقی‌مانده فعلی، بازمانده از روزگار اردشیر بابکان است و در طول نزدیک به ۴۳۰ سال شاهنشاهی ساسانی تغییر و تحولی به‌خود ندیده و یا در دوره‌ی اسلامی تجدید بنا نشده است؟ بدیهی است تاریخ‌گذاری دقیق چهارتاقی نیاسر منوط به انجام کاوش‌های باستان‌شناختی و مطالعات آزمایشگاهی در این محل است.

### مسائل هویتی بناهای مذهبی دوره‌ی ساسانی

ساختار آتشکده‌ها و تحول آن‌ها طی دوره‌ی ساسانی با توجه به جایگاه و مراتب سه‌گانه‌ی آتش، از شکل ساده‌ی چهارتاقی تا تبدیل شدن آن‌ها به یک مجموعه‌ی پیچیده و متنوع از بناها و نیز گروه‌بندی آن‌ها، موضوع مورد بحث محققان<sup>۶</sup> بسیاری بوده است. تاکنون ساختار معماری آتشکده‌ها به‌خوبی شناخته نشده و نیازمند تحقیقات بیشتری است. در عین حال ساختار معماری آتشکده‌ها نیز می‌تواند الزاماً با تقدم و تأخر زمانی همراه نباشد. چنان‌که نمونه‌هایی که در منطقه‌ی فیروزآباد به اوایل روزگار ساسانی منسوب است، ترکیب‌های متنوع فضایی و پیشرفت‌های معمارانه‌ای را نشان می‌دهند. این امر در دیگر آتشکده‌های دوره‌ی ساسانی، مانند کوه‌خواجه، رهنی<sup>۷</sup>، بندیان و تخت سلیمان نیز صدق می‌کند. به‌علاوه تاریخ‌گذاری بسیاری از چهارتاقی‌ها به سده‌های آغازین، میانی و پایانی دوره‌ی ساسانی و حتی دوره‌ی اسلامی مورد مناقشه‌ی پژوهشگران است و مرزبندی روشنی ندارد. تنها چندین آتشکده‌ی انگشت‌شمار مربوط به سده‌های میانی و متأخر ساسانی نظیر: کوه‌خواجه، ترنگ‌تپه، تخت سلیمان، بندیان، شیان، خانه‌ی دیو<sup>۸</sup>، سراب مورت<sup>۹</sup>، مل‌حیرم، ویگل<sup>۱۰</sup>، پلنگ‌گرد<sup>۱۱</sup> و قلعه‌داور، صرف‌نظر از این‌که در داخل یک مجموعه یا به‌صورت منفرد به‌دست آمده‌اند، از کاوش‌های باستان‌شناختی سر برآورده و شمار فراوانی از این بناها که بر بلندی‌ها قد برافراشته‌اند، نیازمند کاوش‌های باستان‌شناختی‌اند. مسئله‌ی سوم، کاربری‌های متعددی است که برای این دسته از بناها پیشنهاد شده است. اکثر پژوهشگران چهارتاقی‌ها را آتشکده و آتشگاه و گروهی دیگر آن‌ها را نشان راه در مسیر راه‌های باستانی و در عین حال تعدادی از آن‌ها را دومنظوره دانسته و علاوه‌بر علامت راهنما، کارکرد آتشکده نیز برای آن‌ها قائل شده‌اند و حتی دسته‌ای دیگر از چهارتاقی‌ها<sup>۱۲</sup> را به‌عنوان کلیسا مطرح کرده‌اند (گذار، ۱۳۷۱: ۳۲، ۶۴ و ۷۸-۷۳؛ پیرنیا و همکاران، ۱۳۷۰: ۱۲۹). معدودی از محققان احتمال استراحتگاه مسافران و محلی برای ارسال اخبار با آتش و نقاره را برای برخی از چهارتاقی‌ها پیشنهاد داده‌اند (مصطفوی، ۱۳۸۲). هم‌چنین برخی

دیگر از محققان، شماری از چهارتاقی‌ها را به‌عنوان مقابر دوره‌ی اسلامی معرفی کرده‌اند (هوف، ۱۳۷۹: ۴۱۰ و ۴۰۸). تنها یک نفر از پژوهشگران نیز کاربری تقویمی برای چهارتاقی‌ها در نظر گرفته که به‌زعم ایشان مغایرتی با کاربری‌های احتمالی دیگر چهارتاقی‌ها ندارد (مرادی‌غیاث‌آبادی، ۱۳۸۷، ۱۳۸۹، ۱۳۸۳، ۱۳۸۰)؛ بنابراین ملاحظه می‌شود مسائل کالبدی، گاهنگاری و کاربری چهارتاقی‌ها، روند مطالعات معماری مذهبی دوره‌ی ساسانی را با دشواری مواجه ساخته است.

قدیمی‌ترین اشاره به نیاسر و آتشکده‌ی آن مربوط به قرن چهارم هجری قمری است. حسن بن محمد قمی، چهارتاقی نیاسر را آتشکده‌ای از اوایل دوره‌ی ساسانی و مربوط به زمان اردشیر بابکان معرفی کرده است (قمی، ۱۳۸۵: ۲۲۱). گذار و پیرنیا به آتشکده بودن بنا تردید می‌کنند و چهارتاقی نیاسر را علامت و راهنما می‌دانند که در کنار راه کاشان به دلیجان و در نقطه‌ی مرتفع ساخته شده است. البته تا زمانی که دلیلی برای رد گفته‌های تاریخی نداریم، می‌توانیم به آن‌ها اعتماد کنیم. فرضیه‌ی دیگری که برای چهارتاقی نیاسر و بسیاری از چهارتاقی‌های دوره‌ی ساسانی توسط مرادی‌غیاث‌آبادی مطرح شده، کاربری تقویمی و نشان دادن زمان‌های خاصی از سال، مانند اعتدالین و انقلابین در این بناها است. این فرض فاقد وجاهت علمی، تاریخی و باستان‌شناسی است. کاظمی در مقاله‌ی مبسوطی به نقد فرضیه مزبور پرداخته و بطلان آن را با مطالعه‌ی میدانی و تأکید بر چهارتاقی نیاسر نشان داده است (کاظمی، ۱۳۹۳: ۸۷-۷۵). این فرضیه از طرف متخصصان حوزه‌ی نجوم نیز تأیید نشده است. هم‌چنین انجام محاسبات براساس وضع موجود بناها، پذیرش چنین فرضی را بسیار نامحتمل می‌کند؛ زیرا این بناها در طول زمان دستخوش تغییرات و کاستی‌هایی شده و از شکل حقیقی خود دور شده‌اند. ضمن آن‌که عده‌ای از محققان معتقدند آتش مقدس مرئی نبوده و اطراف چهارتاقی‌ها را راهرو و اتاق‌های جنبی دربر می‌گرفت (شیپمان، ۱۳۸۴: ۱۱۱). برخی از محققان نیز بر این باورند ساخت بناهایی با کاربری دوگانه که هم‌زمان دارای دو کاربری متفاوت مذهبی و نجومی، به‌ویژه سنجش زمان و انجام محاسبات دقیق - هستند دور از ذهن به نظر می‌رسد؛ به‌طوری‌که هر یک از این کاربری‌ها، ویژگی‌های خاص خود را دارند (گفتگوی خصوصی با ناصر نوروززاده چگینی). از سوی دیگر در متون پهلوی ساسانی که در دوره‌ی اسلامی ترجمه شده‌اند، متون مورخان و جغرافی‌نویسان ایرانی و عرب دوره‌ی اسلامی و متون ادبی مانند شاهنامه فردوسی اشارات فراوانی به ساخت آتشکده‌ها، نیایش آتش در آتشکده‌ها و شکل ساختمانی آن‌ها شده است. افزون بر این در کاوش‌های باستان‌شناختی نیز آثار آتشدان در فضای مرکزی چهارتاقی‌ها مانند تخت سلیمان، بندیان، کوه‌خواجه و نمونه‌های دیگر به‌دست آمده است که تردیدی درباره‌ی کاربری آن‌ها باقی نمی‌گذارد.

به نظر می‌رسد آتشکده‌ی نیاسر یکی از کانون‌های آئینی دوره‌ی ساسانی در حاشیه‌ی دشت کویر و از عناصر اصلی در شکل‌گیری بافت شهر نیاسر بوده است. باوجود مشاهده ساختارهای معماری در محوطه‌ی پیرامونی چهارتاقی، اما ابعاد کوچک چهارتاقی، فقدان عناصر مذهبی داخل بنا و قرار گرفتن در موقعیت



کوهستانی، این احتمال را تقویت می‌کند که در این محل آتش آدران یا آتش محلی نیایش می‌شده است. آتش آدران در مناطق کوچک برپا می‌شد و در مرتبه‌ای پایین‌تر از آتش بهرام یا آتش ایالتی قرار می‌گیرد (بویس، ۱۳۸۶ الف: ۱۴۰؛ همو، ۱۳۸۶ ب: ۵۷-۱۵۶؛ کریستنسن، ۱۳۸۲: ۱۷-۱۱۵). به نظر می‌رسد چهارتاقی نیاسر هسته‌ی اصلی یک بنای بزرگتر را تشکیل می‌دهد که در میان مجموعه‌ای از واحدهای ساختمانی قرار گرفته است. برای نمونه، مشابه چنین بناهایی را می‌توان در آتشکده‌های رهنی، کنارسیاه، فراشبند، خانه دیو، آتشکوه، خرم‌دشت و چهارتاقی گنبد (تاج‌بخش و وندائی، ۱۳۹۶) مشاهده کرد.

### نتیجه‌گیری

آتشکده‌ها نقش مهمی در شناخت معماری مذهبی دوره‌ی ساسانی دارند. شکل‌گیری شبکه‌ای از آتشکده‌ها در منطقه‌ی مرکزی ایران، نشان می‌دهد این ناحیه جایگاهی ارزشمند در تکریم آتش و برپایی آتشکده در مرکز شاهنشاهی ساسانی داشته است. چهارتاقی نیاسر جایگاه مهمی در فهم چیستی و چگونگی آتشکده‌های دوره‌ی ساسانی دارد. بررسی ساختار معماری چهارتاقی نیاسر نشان می‌دهد که خطاهای مرمتی در شناخت کالبد بنا و نیز ساختارهای الحاقی احتمالی که می‌توانست به درک چگونگی محصور شدن ورودی‌های بنا بی‌انجامد خدشه وارد کرده است. هم‌چنین دخل و تصرفات در محوطه‌ی پیرامونی چهارتاقی، نحوه‌ی ارتباط چهارتاقی با سایر ساختارهای معماری را با مشکل مواجه ساخته است. با این حال ساختارهای اطراف چهارتاقی نیاسر در بردارنده‌ی سازه‌های ناشناخته‌ای است که بر مجموعه بودن آن تأکید دارد. مقایسه‌ی سبک معماری و شیوه‌ی ساخت و تزئین چهارتاقی نیاسر با سایر چهارتاقی‌های مشابه، کمک‌چندانی به تاریخ‌گذاری بنا نمی‌کند؛ بنابراین برای شناخت گاهنگاری دقیق چهارتاقی نیاسر مطالعات آزمایشگاهی اجتناب‌ناپذیر است. شناخت ما از کارکرد چهارتاقی‌ها براساس متون تاریخی و سبک معماری است. در عین حال هرگونه تفسیری درباره‌ی نحوه‌ی استفاده از بناهای چهارتاقی مستلزم آن است که آن‌ها را به صورت یک مجموعه‌ی یکپارچه در زمینه و بافت اطراف آن مورد مطالعه قرار داد. بقایای معماری موجود در محوطه نشان می‌دهد که باید فرم‌های متنوع‌تری برای آتشکده‌ها در نظر گرفت و بر لزوم کاوش‌های باستان‌شناختی در بنای چهارتاقی نیاسر و محوطه‌ی پیرامونی آن تأکید کرد. از این‌رو اجرای یک برنامه‌ی جامع و هدفمند باستان‌شناختی در جهت آگاهی از گونه‌شناسی و گاهنگاری آتشکده‌های ساسانی و نیز پیوند آن‌ها با محیط پیرامونی، امری ضروری و سودمند است و دانش ما را از معماری مذهبی دوره‌ی ساسانی افزایش خواهد داد.

### پی‌نوشت

۱. پرونده‌ی ثبتی چهارتاقی نیاسر تنها تحت‌عنوان آتشکده‌ی نیاسر به‌شماره‌ی ۳۱۶ در مرکز اسناد سازمان میراث‌فرهنگی قابل‌بازیابی است.

2. Valam

۳. گنبد خاگی یا تخم‌مرغی، از انواع گنبد با دور بیضی است، گنبدی که از دوران بیزگنبد به‌وجود می‌آید.

۴. Mele Hairam از آتشکده‌های نویافته در سرخس ترکمنستان است.
۵. آتشکده‌ی خرم‌دشت در جنوب شرق شهر کاشان واقع شده و از آن تنها چهار جزز باقی مانده بود. متأسفانه در دو دهه‌ی گذشته به طرز ناشیانه‌ای مرمت و حتی طاق‌های آن به صورت ناهنجاری بازسازی شده و به اصالت بنا خدشه وارد کرده است.
۶. مهم‌ترین پژوهش‌ها در این زمینه توسط: گذار، اردمن، گروپ، سیرو، هرتسفلد، واندنبرگ، شیپمن، هوف، نومان، کلایس، بویس، کیل، بوشارلا، کایم، آذرنوش، رهبر، ژینیو و آذریپی صورت گرفته است.
7. Rohoni  
8. Khaneh Diw  
9. Sarabe Mourt  
10. Vigol  
11. Palang Gerd
۱۲. منظور آتشکده‌ی فراشید است. برخی از محققان متأثر از نظر گذار این احتمال را برای چهارقاپی قصرشیرین نیز مطرح کرده‌اند که اقتناع‌کننده به نظر نمی‌رسد. کاربری غیرمذهبی (به‌عنوان بناهای حکومتی) نیز برای برخی از چهارتاقی‌ها، مانند بازه‌هور و چهارقاپی مطرح شده است.

## کتابنامه

- بویس، مری، ۱۳۸۶ الف، *زردشتیان باورها و آداب دینی آن‌ها*، ترجمه‌ی عسکر بهرامی، تهران: ققنوس.
- بویس، مری، ۱۳۸۶ ب، «دیانت زرتشتی در دوران متأخر»، *دیانت زرتشتی*، ترجمه‌ی فریدون وهمن، به‌کوشش: کای بار، آسموسن و بویس، تهران: جامی، صص: ۱۸۳-۱۲۹.
- بیر، لئونل، ۱۳۸۵، *سروستان*، ترجمه‌ی امیرحسین کرباس فروش، تهران: سبحان نور.
- بیگلری، محسن؛ و پیراینده، علی، ۱۳۸۴، «پرونده‌ی ثبتی محور فرهنگی تاریخی نیاسر»، اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری استان اصفهان (منتشر نشده).
- پوپ، آرتور، ۱۳۷۳، *معماری ایران*، ترجمه‌ی غلامحسین صدری افشار، تهران: فرهنگان.
- پیراینده، علی؛ و راعی، حسین، ۱۳۸۴، «پرونده‌ی ثبتی دیوار (باروی) چارتاقی نیاسر و محوطه داخل آن»، اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری استان اصفهان (منتشر نشده).
- پیرنیا، محمدکریم، ۱۳۸۳، *سبک‌شناسی معماری ایرانی*، تدوین: غلامحسین معماریان، تهران: معمار.
- پیرنیا محمدکریم؛ و افسر، کرامت‌الله، ۱۳۷۰، *راه و رباط*، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور و انتشارات آرمین.
- تاج‌بخش، رویا؛ و وندایی، میلاد، ۱۳۹۶، «بررسی و تحلیل باستان‌شناختی مجموعه‌ی چهارتاقی گنبد، فراشید»، *مجله‌ی پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، دوره‌ی ۷، شماره‌ی ۱۲، صص: ۲۲۶-۲۱۱.
- شاه‌حسینی، نورالدین، ۱۳۸۲، «طرح مرمت و احیاء آتشکده شیرکوه نائین»، *اثر*، شماره‌ی ۳۵، صص: ۳۳۰-۳۲۸.
- شیپمان، کلاوس، ۱۳۸۴، *مبانی تاریخ ساسانیان*، ترجمه‌ی کیکاوس جهاننداری، تهران: فرزانه روز.
- رهبر، مهدی، ۱۳۷۹، «گزارش کاوش‌های باستان‌شناسی آتشکوه»، پژوهشکده

- باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری (منتشر نشده).  
 رهبر، مهدی، ۱۳۸۹، «آتشکده بندیان درگز؛ یک بار دیگر»، پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس، شماره‌ی چهارم و پنجم، صص: ۱۶۷-۱۷۷.  
 - فون دراوستن، هانس هنینگ؛ و ناومان، ردولف، ۱۳۷۳، *تخت سلیمان*، برگردان: فرامرز نجد سمیعی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.  
 - قدردان، مهرداد، ۱۳۸۸، *جایگاه نور و آتش در آیین زرتشت*، شیراز: افق پرواز.  
 - قمی، حسن بن محمد بن حسن، ۱۳۸۵، *تاریخ قم*، ترجمه‌ی حسن بن علی بن عبدالملک قمی، قم: کتابخانه بزرگ آیت الله مرعشی نجفی.  
 - کاظمی، یاغش، ۱۳۹۳، «چهارتاقی‌ها و آتشخانه‌های ایران»، *دو فصلنامه تخصصی دانش مرمت و میراث فرهنگی*، دوره‌ی جدید، سال دوم، ویژه‌نامه نخست، صص: ۱۰۲-۴۳.  
 - کریستنسن، آرتور، ۱۳۸۲، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه‌ی رشید یاسمی، تهران: صدای معاصر.  
 - کلانتر ضرابی، عبدالرحیم، ۱۳۷۸، *تاریخ کاشان*، تهران: امیرکبیر.  
 - گذار، آندره، ۱۳۷۱، «آذرکده‌ها»، *آثار ایران*، به‌کوشش آندره گذار و دیگران، ترجمه‌ی ابوالحسن سروقد مقدم، مشهد: آستان قدس رضوی، صص: ۸۴-۱۱.  
 - گذار، آندره، ۱۳۷۷، *هنر ایران*، ترجمه‌ی بهروز حبیبی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.  
 - گیرشمن، رومن، ۱۳۷۹، *سیلک کاشان*، ترجمه‌ی اصغر کریمی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.  
 - مدرسی طباطبایی، حسین، ۱۳۶۴، *قم‌نامه*، قم: کتابخانه حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی.  
 - مرادی، یوسف، ۱۳۸۸، «چهارتاقی میل میله‌گه؛ آتشکده‌ای از دوره‌ی ساسانی»، *مطالعات باستان‌شناسی*، شماره‌ی ۱، دوره‌ی ۱، صص: ۱۵۵-۱۸۳.  
 - مرادی غیاث‌آبادی، رضا، ۱۳۸۰، *نظام گاه‌شماری در چارتاقی‌های ایران*، تهران: پژوهش‌های ایرانی و نوید شیراز.  
 - مرادی غیاث‌آبادی، رضا، ۱۳۸۳، *بناهای تقویمی و نجومی ایران*، شیراز: نوید.  
 - مرادی غیاث‌آبادی، رضا، ۱۳۸۷، «چارتاقی نیاسر: وضعیت طلوع و غروب خورشید در یک تقویم آفتابی باستانی»، *معماری و ساختمان*، شماره‌ی ۱۶، صص: ۹۴-۹۶.  
 - مرادی غیاث‌آبادی، رضا، ۱۳۸۹، *چارتاقی‌های ایران*، تهران: ایران‌شناسی.  
 - محمدی فر، یعقوب؛ و مترجم، عباس، ۱۳۹۰، «جولیان: آتشکده‌ی نویافته ساسانی در آبدانان ایلام»، *باغ‌نظر*، شماره‌ی نوزدهم، صص: ۷۷-۸۸.  
 - مشکوتی، نصرالله، ۱۳۴۵، «نظری به تاریخ باستان‌شناسی کاشان و بنای مشهور تاریخی مسجد سلیمان»، *هنر و مردم*، شماره‌ی ۵۴ و ۵۳، صص: ۱۴-۷.  
 - مصطفوی، محمدتقی، ۱۳۸۲، *اقلیم پارس*، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

- ناومان، رودلف، ۱۳۸۲، *ویرانه‌های تخت سلیمان و زندان سلیمان*، برگردان: فرامرز نجدسمیعی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

- نراقی، حسن، ۱۳۸۲، *آثار تاریخی شهرستان‌های کاشان و نطنز*، تهران: انجمن آثار ملی.

- نفیسی، سعید، ۱۳۸۸، *تاریخ تمدن ایران ساسانی*، تهران: کتاب پارسه.

- هاردی، آندره، پ.، ۱۳۷۱، «بنای نیاسر»، *آثار ایران*، به‌کوشش: آندره گدار و دیگران، ترجمه‌ی ابوالحسن سروقد مقدم، مشهد: آستان قدس رضوی، صص: ۱۵۶-۱۵۲.

- هالی‌یر، اولریش، ۱۳۵۴، «دژ، آتشگاه و چهارطاق نخلک»، *گزارش‌های باستان‌شناسی در ایران*، تألیف و تدوین هیأت باستان‌شناسان آلمانی، ترجمه‌ی سروش حبیبی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، صص: ۴۳۹-۴۰۳.

- هوف، دیتریش، ۱۳۷۹، «گنبدها در معماری اسلامی»، ترجمه‌ی کرامت الله افسر و محمدیوسف کیانی، *معماری ایران دوره‌ی اسلامی*، گردآورنده: محمدیوسف کیانی، تهران: سمت، صص: ۴۲۲-۴۰۳.

- هوف، دیتریش، ۱۳۹۲، «شکل‌گیری و ایدئولوژی دولت ساسانی»، *ساسانیان*، ویراسته‌ی وستا سرخوش کرتیس و سارا استوارت، ترجمه‌ی کاظم فیروزمند، تهران: نشر مرکز، صص: ۷۵-۴۰.

- Houtum Shindler, A., 1896, *Eastern Persian Irak*, London: J. Murray.

- Huff, D., 1975, "Sasanian Chahar Taqs in Fars", in: Bargherzadeh, F. (ed.), *Proceedings of the IIIrd Symposium on Archaeological Research in Iran* (Téheran 2<sup>nd</sup>-7<sup>th</sup> November 1974), Teheran: Iranian Centre for Archaeological Research: 243-254.

- Kaim, B., 2004, "Ancient Fire Temples in the Light of the Discovery at Mele Hairam", *Iranica Antiqua*, 39: 323-337.

- Kleiss, W., 1989, "Niasar - Chahar Taq und Burg-Siedlung", In: *Archaeologia Iranica et Orientalis*, Miscellanea in Honorem Louis Vanden Berghe. Edenda Curaverunt L. De Meyer et E. Haerinck. Gent, II: 663-674.

- Kleiss, W., 1999, "Der Chahartaq von Navis im Bergland von Tafresh", in: *The Iranian World: Essays on Iranian Art and Archaeology Presented to Ezat O. Negahban*, Edited by: Abbas Alizadeh, Yousef Majidzadeh, Sadegh Malek Shahmirzadi, Tehran: Iran University Press: 200-209.

- Naumann, R., 1967, "Sasanidische Feueraltäre", *Iranica Antiqua*, VII: 72-76.

- Razmjou, Sh. & Amin Tafreshi, B., 2006, "A Man-Made Mitra Temple", in: [www.cais\\_soas.com](http://www.cais_soas.com).

- Schippmann, K., 1971, *Die Iranischen Feuerhiltümer*, Berlin/New York: Walter de Gruyter.

- Vanden Berghe, L., 1965, "Nouvelles Découvertes de Monuments du feu d'Epoque Sassanide", *Iranica Antiqua*, 5: 128-147.

- Vanden Berghe, L., 1977, "Les Chahar Taqs du Pusht-i Kuh Luristan", *Iranica Antiqua*: 12, 175-190.